



بررسی اقتصاد تولید دام عشایری در استان لرستان

علیرضا کرباسی^۱ و حجت اله نیکخواه^۲

چکیده:

عشایر از مهمترین بخش های تولید کننده دام و فرآورده ای دامی در ایران می باشند که سالانه مقادیر قابل توجهی پروتئین به یکجانشینان عرضه می کنند. از این رو شناخت دقیق ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی این قشر از جامعه جهت برنامه ریزی به منظور افزایش سطح تولیدات آن هم می تواند به استقلال اقتصادی کشور کمک کرده و هم موجبات بالا رفتن سطح زندگی آنان را فراهم می آورد. در این بررسی با هدف بررسی اقتصاد تولید عشایر استان لرستان به عنوان نمونه کاملی از عشایر ایران با تکیه بر آمارگیری های علمی، تغییرات ترکیب گله در سالهای گذشته، هزینه تمام شده تولید هر رأس دام عشایری و میزان فروش تولیدان دامی در استان لرستان و خانواده ای نمونه مورد بررسی قرار گرفته اند. در این بررسی مشخص شد که در ساله های گزشته سهم گوسفند در ترکیب گله خانواده های عشایری افزایش یافته و سهم بز در ترکیب گله خانواده های فقیر نسبت به خانواده های مرفه بیشتر است و هزینه نگهداری هر رأس بز نسبت به هر رأس گوسفند پایینتر می باشد. آمار مورد نیاز جهت انجام این تحقیق با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای دو مرحله ای در سال ۸۳-۱۳۸۲ جمع آوری شده است. در پایان پیشنهاد شده است که با ترویج شیوه دامپروری نسبت به افزایش سطح درآمد دامپروران اقدام گردد و موجبات خارج شدن دام اضافی از مرتع فراهم آورده شود.

مقدمه:

جامعه ایران، از سه جامعه شهری، روستایی و عشایری تشکیل شده است. عشایر در طول تاریخ نقش بسیار مهمی را برای نگهداری مرزهای ایران از نفوذ بیگانگان ایفاء نموده است. اغلب حکومتهای که در ایران تشکیل شده اند وابسته به ایلات بوده اند. عشایر ایران از نظر اقتصادی دارای اهمیت هستند زیرا آنها سالانه مقادیر قابل توجهی گوشت، لبنیات و سایر فرآورده های دامی را علاوه بر رفع نیازهای خویش به یکجانشینان عرضه کرده و از این راه بخش مهمی از نیازهای آنان را برآورده می کنند. به همین دلیل آشنایی و شناخت درستی از فعالیت های اقتصادی آنها برای برنامه ریزی ضروری است بطوریکه با برنامه ریزی صحیح و ارائه طرح های مناسب می توان از یک طرف با افزایش سطح تولیدات عشایر از وابستگی کشور کاست و از طرف دیگر موجبات ارتقای سطح زندگی این قشر محروم از بسیاری از امکانات زیستی را فراهم آورد.

با توجه به پراکنش جامعه عشایری در عرصه های طبیعی از جمله مراتع کشور، این جامعه نقش اساسی در تولید و فرآوری محصولات مرتعی دارند. اگرچه ارزش و سهم صادرات فرآورده های مرتعی پایین می باشد ولی شناسایی این محصولات و گسترش فرهنگ تولید و حفظ آنها نقش مهمی در بهبود صادرات غیر نفتی خواهد داشت (42).

با توجه به تعریف اقتصاد و جغرافیای اقتصادی در اقتصاد کوچ نشینی سعی بر این است که مسایل و مشکلات مناطق و نواحی استقرار ایلات و طوایف مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و مسائل تخصصی عوامل تولید و توزیع درآمد در داخل و بین نواحی کوچ نشینی بطور علمی توضیح داده شود. از آنجاییکه کوچ نشینان بخشی از مردم و اقتصادایران را به خود اختصاص داده اند و در جهت رسیدن به توسعه همه جانبه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور لازم است که نحوه تحول و سرنوشت این قشر تولید کننده کم توقع را مورد بررسی و شناسایی قرار داده شود و جایگاه اقتصاد این قشر در سطح کشور و اقتصاد ملی مشخص شود. (51).

به عنوان نمونه توجه به بخش دامداری و مرتع کوچ نشینان و بهینه نمودن نژاد و کیفیت دامها موجبات تامین بخشی از نیاز یکجانشینان به دام و فرآورده های آن از یک طرف و افزایش درآمد کوچ نشینان از طرف دیگر را فراهم خواهد آورد؛ تا جاییکه با کاهش میزان واردات در این بخش

^۱ - عضو هیئت علمی گروه اقتصاد کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه زاهد
^۲ - کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی جهاد کشاورزی استان لرستان



دام و فرآورده های دامی) از خروج ارز از کشور جلوگیری بعمل خواهد آمد و امکان سرمایه گذاری در بخش های دیگر اقتصادی و توجه ویژه به این بخش (اقتصاد کوچ نشینان) را فراهم نموده و قدمهای بلندی در راه توسعه و بهبود زندگی اقتصادی، کوچ نشینان برداشته خواهد شد (49).

بنابراین شناخت و بررسی ساختار اقتصادی کوچ نشینان که با محیط جغرافیایی آنها پیوند دارد و یافتن راه حل های عملی در جهت توسعه اقتصادی که منجر به توسعه اجتماعی و فرهنگی می شود از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. به لحاظ اهمیت پروتئین حیوانی در تغذیه انسانها و با توجه به روند افزایش جمعیت کشور، توجه به تامین نیاز غذایی جمعیت و برنامه ریزی در جهت افزایش تولیدات دامی اهمیت و ضرورت دارد (38). پرورش دام با زندگی کوچ نشینی عجین است و در صورت هر گونه بی التفاتی به این قشر از جامعه به عنوان مهمترین تولید کنندگان پروتئین حیوانی، علیرغم زمینه تامین گوشت و سایر فرآورده های دامی توسط کوچ نشینان به ناچار برای رفع نیازهای داخلی مجبور به وارد کردن تولیدات لبنی و گوشتی خواهیم شد.

مهمترین اهداف انجام این تحقیق را می توان، بررسی اقتصاد تولید عشایر استان لرستان، بررسی ویژگی های دامداری عشایری استان لرستان، محاسبه هزینه نگهداری هر رأس دام عشایری (گوسفند و بز) و ارائه راهکارهای مناسب جهت بهبود اقتصاد عشایر استان لرستان عنوان کرد. فرضیاتی که در انجام این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته عبارتند از: ترکیب گله عشایر نسبت به سالهای گذشته تغییر کرده است، پرورش هر رأس گوسفند در آمد سالانه بیشتری نسبت به درآمد سالانه پرورش هر رأس بز دارد و سهم بز در ترکیب گله خانوارهای مرفه عشایری، نسبت به دیگر خانوارها کمتر است.

در زمینه اقتصاد تولید عشایر و کوچ نشینان در ایران و جهان مطالعات چندانی صورت نگرفته است ولی مهمترین این تحقیقات عبارتند از: مایکل آلوارد و لورنس کوزنار (2000) در مطالعه ای به بررسی نقش پس چرهای کشاورزی در اقتصاد گله داران و گاوداران تگزاس پرداخته اند. در این بررسی از پرورش دام به عنوان قربانی عملیات محافظتی که جهت حفظ مراتع و جنگلها صورت می گیرد نام برده شده است و زیانهای زیادی به اقتصاد تولیدکنندگان وارد کرده است. به همین دلیل جهت جلوگیری از نابودی سیستم گله داری و از بین رفتن تولیدات آنان استفاده از پس چرهای کشاورزی به عنوان علوفه را توصیه کرده اند و نقش آن را در اقتصاد خانوارهای گله داران بسیار با اهمیت دانسته اند. کالی یوسف و همکاران (2002) در یک مطالعه در سومالی با عنوان بررسی اقتصاد تولید دام در سومالی، تولید دام و محصولات دامی را مورد ارزیابی قرار داده اند. در قسمتی از این مطالعه به اهمیت بخش دامداری در سومالی پرداخته شده است و به وابستگی مستقیم و غیر مستقیم اقتصاد خانوارهای این کشور با تولیدات دامی اشاره شده است. همچنین در قسمت دیگری از این مطالعه چالشهایی که بر سر راه ادامه فعالیت تولید کنندگان قرار دارند مورد بررسی قرار گرفته اند که از آن جمله می توان به گوناگونی اقتصاد در سومالی و پر درآمد بودن سایر مشاغل و مشکلاتی که در زمینه حفاظت از محیط زیست پدید آمده است اشاره کرد. FAO در سال 1999 در یک مطالعه با عنوان «مجموعه ای از اطلاعات در مورد بهداشت و سلامتی، وضعیت معاش و پارامترهای توسعه ای جوامع کوچ نشین در جهان» به بررسی مشکلات اقتصادی، بهداشتی و اجتماعی جوامع عشایر در جهان پرداخته اند. در این مطالعه اشاره شده است که عشایر در 25 درصد از جهان از جمله آفریقا، استرالیا، آسیا، سیبری و آند پر اکنده اند که بالغ بر 20 میلیون خانوار می باشند که این تعداد حدود 10 درصد گوشت مصرفی دنیا را تأمین می کنند. روجر بلنچ و همکاران (2003) در مطالعه ای با عنوان «لزوم تغییر شیوه های تولید دام در مناطق فقیر» به بررسی اثرات مثبت تغییر الگوهای موجود دامداری در بین کوچ نشینان و دامپروران مناطق فقیر جهان پرداخته اند. در این مطالعه ابتدا اشاره شده است که سهم زیادی از جمعیت کشورهای فقیر را کوچ نشینان و بادیه نشینان تشکیل می دهند که از نظر سطح زندگی و درآمد سرانه در سطح بسیار پایینی قرار دارند. در این مطالعه اشاره شده است که چگونه می توان با تغییر استراتژی تولید دام سطح زندگی و رفاه عشایر و بادیه نشینان را بالابرد. که در این مورد به کارهایی که FAO در چند کشور آفریقایی انجام داده است اشاره شده است. دونالدجی بجانها و سابین اشمیت (2000) در یک تحقیق با عنوان «کوچ نشینی و ضرورت حفاظت از مناطق مورد استفاده کوچ نشینان» به بررسی



روشهای مدیریتی حفاظت از مراتع و چراگاههای مورد استفاده عشایر و کوچ نشینان با حفظ زندگی کوچ نشینی و بدون ضربه اقتصاد آنان پرداخته اند. منطقه مورد مطالعه آنان منطقه گبی (Gobi) در شمال مغولستان می باشد که در این منطقه بالغ بر 1100 خانوار عشایری زندگی می کنند. اطلاعات مورد نیاز برای انجام این تحقیق در فاصله زمانی سالهای 1998 الی 2000 از بین عشایر در پارک ملی گبی بدست آمده است و از تمامی گله دارانی که از این پارک ملی به عنوان چراگاه استفاده می کردند سرشماری بعمل آمده است. از مهمترین راهکارهایی که در بهبود وضعیت چراگاهها تاثیر داشته است را می توان به تنظیم دقیق زمان کوچ عشایر (به جهت تخم ریزی گیاهان مرتعی)، تامین علوفه مورد نیاز عشایر و همچنین تنظیم تعداد گله و اندازه آنها اشاره شده کرد. از مسائل دیگر که به آن اشاره شده است تعیین مالکیت چراگاه می باشد چراکه مشخص نبودن مالکیت چراگاه برای بهره برداران همواره مشکلاتی را به دنبال داشته است. براین واکر و مارکو جانسون (2001) در یک مطالعه به روش های گله داری در استرالیا پرداخته اند و مزایا و معایب شیوه های گوناگون را مورد مطالعه قرار داده اند. از این بررسی نتیجه شده است که سیستم های گله داری که طول دوره پرورش آنها کوتاه تر است از نظر اقتصادی به صرفه تر می باشند زیرا موجب می شود که بهره وری گله افزایش پیدا کند و هزینه های نگهداری تا حدودی کاهش پیدا می کنند.

بانرجی و همکاران (2003) در مطالعه ای به بررسی اقتصادی تولید بز در توسط عشایر و قبایل بادیه نشین کشور اتیوپی پرداخته اند. در این بررسی به اهمیت بز و فرآورده ای جمع کثیری از جمعیت اتیوپی به عنوان دومین تولید کننده بز در آفریقا اشاره شده است و بنا بر این دلیل، افزایش بهره وری تولید این حیوان نقش بسزایی در اقتصاد و زندگی خانوارهای قبایل مختلف اتیوپی خواهد داشت. به همین منظور برنامه های مختلفی جهت افزایش بهره وری تولید بز توصیه شده است که از آن جمله می توان اجرای برنامه های اصلاح نژاد و برنامه های توسعه ای با در نظر گرفتن شرایط و اقلیم مناطق مختلف اشاره کرد بطوریکه در مناطق نسبتاً مرطوب این کشور پیشنهاد شده است که تعداد گله افزایش یابد چرا که به علت پوشش گیاهی مناسب میزان تولیدات افزایش خواهد یافت ولی در مناطق خشک به علت بر هم خوردن نسبت بز به مراتع پیشنهاد شده است که از تعداد دام گله کاسته شود تا از تخریب مراتع جلوگیری به عمل آید و بهره وری تولید بز نیز افزایش یابد. دهقانیان و کهنسال (1379)، اقتصاد تولید عشایر استان خراسان را مورد بررسی قرار دادند این پژوهش با اتکای کامل بر نمونه برداری های علمی و در راستای شناخت بیشتر جنبه های اقتصادی تولید عشایر استان خراسان به عنوان نمونه گونه گونی از جامعه عشایری ایران انجام گرفته است. ترک نژاد و همکاران (1374) در یک مطالعه ارزش اقتصادی منابع تجدید شونده را از طریق اندازه گیری ارزش تولیدات دامی بهره بردار از این منابع محاسبه کردند. در این بررسی سهم ارزش افزوده منابع طبیعی در دامداری سنتی به دو روش مستقیم و غیر مستقیم برآورد شده است. آقا عباسی (1379) امکانات بالقوه و بالفعل جهت خودبسندهی در تامین گوشت قرمز را بررسی کرده است.

ذبیحی (1370) دامداری مرسوم و بسته داخل جنگل را مورد مقایسه قرار داده است. بر این اساس وضعیت سیستم دامداری در منطقه به دامداری مرسوم داخل جنگل و دامداری ساکن طبقه بندی شده است که از نتایج این تحقیق می توان به این موارد اشاره کرد. دامداران مرسوم داخل جنگل به دلیل اتکا به علوفه جنگل مشکلی به اسم کمبود را احساس نکرده زیرا عملاً "طبق بررسی انجام شده 88/85 در صد علوفه از جنگل تامین می شود. افزایش رویش سالانه چوب دهی جنگل منوط به تخلیه دام از عرضه جنگل می باشد. دامداری بسته بدلیل بالا بودن در آمد دامداری در حال توسعه می باشد، اما سطح اراضی جهت کشت علوفه محدود بوده بطوری که بر حسب موقعیت منطقه در نقاط کوهستانی سطح اراضی علوفه کاری بدلیل وضعیت توپوگرافی، کم و دامدار مجبور است جهت تامین علوفه از بازار خریداری نماید.

شمس الدینی و خلیلیان (1379) در مطالعه ای واگذاری مراتع در چارچوب طرح های مرتعداری در شهرستان ممسنی را مورد تحلیل قرار داده اند. در این بررسی با استفاده از روش های اقتصاد مهندسی به ارزیابی اقتصادی این طرح ها پرداخته شده است. جامعه آماری مورد مطالعه بهره



برداران عشایری مراتع شهرستان ممسنی می باشد، که شامل عشایر طرح مرتعداری و دامداران غیر طرحی می باشد. مجیدی(1378) در مطالعه ای با عنوان «عشایر و تغییر الگوی دامداری» به بررسی وضعیت کنونی دامداری سنتی کشور و مشکلات و نتگناهای بخش دامپروری عشایری پرداخته است.

غفاری (1375) در یک مطالعه با عنوان «مراتع پشتوانه استقلال اقتصادی» به بررسی علل تخریب مراتع پرداخته است بر این اساس مهمترین عوامل تخریب به ترتیب: شخم مراتع جهت کشت زراعتهای دیم، بوته کنی و تامین سوخت از بوته های مرتعی، عدم رعایت فصل چرا توسط روستاییان و عشایر (چرای بی موقع)، چرای دام بیش از ظرفیت مراتع (چرای مفرط)، فشرده شدن لگد کوب) سطح مرتع در اثر حرکت تعداد زیاد دام.

روش تحقیق:

باتوجه به اهمیت و جایگاه دامداری در اقتصاد کوچ نشینان ایران که در رابطه با شرایط طبیعی، محیطهای گوناگون موجب تحرک و جا به جایی می گردد و پدیده ییلاق، قشلاق، حدفاصل و قلمرو ایلی در این ارتباط قرار می گیرد. باید توجه داشت که پرورش دام می تواند فعالیت اقتصادی پر منفعتی در مناطق کوهستانی باشد به طوریکه سودآوری سالانه یک گله که تعداد آن متناسب با نیروی کار یک خانواده متوسط باشد تقریباً دو برابر تولیدات همان نیروی کار بر روی یک قطعه زمین کشاورزی است. بنابراین دام اساس اقتصاد زندگی کوچ نشینان را تشکیل می دهد و آنها از جهات مختلفی نظیر: تامین غذا، وسایل و پوشاک مورد استفاده، امکانات حمل و نقل و نیروی شخم برای کوچ نشینان اهمیت داشته و همچنین مایه اعتبار و پشتوانه بسیاری از فعالیت های اجتماعی برای کوچ نشینان است.

بعد از بدست آوردن اطلاعات لازم با استفاده نمونه های جمع آوری شده جهت بررسی ویژگی های اقتصادی عشایر استان لرستان از قبیل هزینه تمام شده تولید یک رأس گوسفند و بره در قالب گله، میزان درآمد بدست آمده به ازای هر رأس دام عشایری از آمار توصیفی³ استفاده شده است.

جامعه آماری و تعداد نمونه

در این پژوهش به به کارگیری روش نمونه گیری خوشه ای و تنظیم و تکمیل پرسشنامه ، اطلاعات مورد نیاز جمع آوری شد و برای محاسبه تعداد نمونه ، رابطه زیر به کار رفته

$$n = \frac{NS^2}{ND + S_c^2} \quad D = \frac{B^2}{4N^2}$$

است(33).

n = تعداد خوشه ها در نمونه

S_c^2 = واریانس جمعیت

N = تعداد خوشه ها در جمعیت مورد نظر

B = خطای تخمین

اطلاعات جمع آوری شده از عشایر ، در برگزیده ویژگیهای کلی زندگی ، میزان تولیدات دامی و دیگر اطلاعات اقتصادی اجتماعی است . به منظور جمع آوری اطلاعات ، نخست نتایج سر شماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده استان لرستان که در سال 1377 انجام شده بود فضای کار قرار گرفت. برای نمونه گیری لازم بود که با توجه به ویژگی جامعه عشایر کوچنده استان، از روشهای خاص استفاده شود. در آمارگیریهای مختلف روستایی و شهری ، روش کار بدین صورت است که نخست به آبادیها و بلوک های شهری به عنوان چارچوبهای کار و سپس درون هر آبادی یا بلوک، به خانواده ها مراجعه و برای آنها پرسشنامه تکمیل می شود. این کار به بکارگیری نقشه های آماری انجام می گیرد ولی در زمینه آمارگیری از خانواده های عشایری نخست باید جامعه عشایری به زیر جامعه هایی تقسیم و هر زیر جامعه به صورت یک واحد آماری مشخص شود . سپس با

³ - Descriptive statistical



ترتیبی خاص و برنامه ای مناسب به هر یک از واحد ها مراجعه و از آنها آمارگیری شود. از مطالعه مجموعه شرایط، این نتیجه بدست آمد که برای تعیین واحد آماری، باید از «تشکیلات اجتماعی» عشایر استفاده شود (22). در جامعه عشایری از دیر باز تقسیماتی بر مبنای تشکیلات اجتماعی ایلها و طایفه های مستقل داشته است که این شیوه تقسیم بندی را می توان به عنوان راهنمای انتخاب واحد آماری به کار گرفت بر پایه اطلاعات به دست آمده از سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده کشور در سال 1377، محل استقرار بیلاقی 13 ایل و 16 طایفه مستقل با 15933 خانوار و جمعیت 106606 نفر و محل استقرار قشلاقی 14 ایل و 12 طایفه مستقل با 11351 خانوار و 76167 نفر جمعیت در 9 شهرستان استان لرستان می باشد. بر خلاف آمارگیری های دیگر که واحد های آماری آنها به طور عمده در شهرها و روستاهای کشور واقع شده است، واحد آماری، در این پژوهش بیرون از محدوده شهرها و آبادیها در گستره دشتهای پهناور و مناطق مرتع، قرار دارد به همین دلیل گستردگی و نبود امکانات وسیع تدارکات و نیروی انسانی کار آمد، مکان اجرای سرشماری اجتماعی - اقتصادی فراهم نبود، بنابراین در مطالعه حاضر، جمع آوری اطلاعات از راه نمونه گیری صورت گرفت. در این راستا پس از انجام دادن مطالعات اولیه مشاهده شد که می توان با بکارگیری روش نمونه گیری خوشه ای 4 اطلاعات مورد نیاز را با حداقل هزینه به دست آورد برای این کار نخست هر شهرستان به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد، سپس با استفاده از آمار و ارقام اولیه استخراج شده از نتایج سرشماری اجتماعی - اقتصادی کوچنده استان که در زمینه تعداد دام، تعداد خانواده و جمعیت هر خانوار و همچنین با بکارگیری برنامه کامپیوتری spss، شاخصهایی مانند تعداد خوشه های موجود در جامعه، تعداد خوشه های موجود در نمونه اولیه، تعداد عناصر در خوشه و تخمین میانگین نمونه اولیه و واریانس نمونه اولیه بر آورد شد، در نهایت با بکارگیری روش نمونه گیری تصادفی سیستماتیک 5 خانوارهای نمونه انتخاب شدند (34) در این مطالعه 9 شهرستان مورد بررسی قرار گرفت که در آنها عشایر به طور عمده در مناطق بیلاقی و قشلاقی استقرار دادند.

جدول 1: تعداد خانوار و جمعیت عشایر شهرستانهای استان به تفکیکی دوره استقرار

شهرستان	دوره بیلاق		دوره قشلاق	
	خانوار	جمعیت	خانوار	جمعیت
ازنا	292	2003	5	28
الیگودرز	6287	39026	3868	24042
بروجرد	45	308	95	705
پلدختر	1093	7771	1555	10948
خرم آباد	4351	29983	2522	17296
دلفان	1222	790	716	5033
دورود	445	3120	192	1395
سلسله	1007	7252	788	5670
کوهدشت	1191	8353	1610	11050

ماخذ: مرکز آمار ایران

به دلیل اینکه در استان لرستان بیشتر در دوره بیلاق عشایر بیشتری در استان استقرار دارند بنابراین از عشایر دوره بیلاقی در استان نمونه گیری بعمل آمد و پرسشنامه ها تکمیل شده است. به این ترتیب از هر ایل و طایفه مستقل نمونه هایی انتخاب شد که در این راستا 570 پرسشنامه در سطح 9 شهرستان استان تکمیل و جمع آوری شده است. افزون بر این اطلاعات کلی مورد نیاز به کار رفته در این پژوهش به صورت مقطعی و به سال 83-1382 عشایر استان لرستان می باشد.

4- Cluster sampling

5- systematic sampling



نتایج و بررسی: ترکیب گله

با توجه به نمونه گیری انجام شده در بین عشایر استان ترتیب گله در تمامی نقاط استان یکسان نمی باشد بطوریکه در مناطق شمالی استان ودشتهایی همچون خرم آباد، زاغه، چغلوندی، بروجرده، به علت برخورداری از زمینهای وسیع کشاورزی و همچنین استفاده از پس چر مزارع معمولاً در ترکیب گله عشایر بز کمتر پرورش داده می شود. ولی در مناطقی کوهستانی استان و جنوبی که پوشش گیاهی بیشتر شامل درختان و درختچه ها و بوته های خشن می باشد و دارای مناطق صعب العبور می باشد در ترکیب گله، بز بیشتر به چشم می خورد به عنوان مثال در مناطق صعب العبور کوهستانی مثل حوزه عشایری دورود، حوزه های عشایری میانکوه حدود 32 درصد ترکیب گله را بز و بزغاله تشکیل می دهد علاوه بر آن در مناطق جنوبی استان میزان گاو و گاو میش در ترکیب گله فزونی می یابد. با بررسی نتایج پیش گفته این فرض که ترکیب گله عشایر در مناطق مختلف استان متفاوت است پذیرفته می شود.

در جدول شماره 3-4 سهم گوسفند و بز از کل تعداد دام عشایر در سه آمارگیری 1366 و 1368 و 1377 و همچنین سهم این ترکیب از تعداد دام خانواده های نمونه عشایر در بررسی کنونی، منطقه نشان داده شده است.

جدول 2- ترکیب دام عشایر لرستان بر اساس آمارگیری های مختلف

مجموع		بز و بزغاله		گوسفند و بره		منابع آماری
در صد	تعداد	در صد	تعداد	در صد	تعداد	
100	1590649	46/9	745270	53/1	845379	آمارگیری سال 1366
100	1385000	45/5	7000630	54/5	755000	آمارگیری سال 1368 (دامپزشکی استان)
100	1583423	39/3	621603	57/5	910774	آمارگیری سال 1377
100	1367729	31/5	43103	68/2	93372	خانوار های نمونه

ماخذ: یافته های تحقیق

همانطور که در جدول شماره 2 مشاهده می شود در آمارگیری سال 1366 سهم بز در گله عشایری برابر 46/9 درصد و سهم گوسفند 53/1 درصد بوده که این دو نسبت به ترتیب به 45/5 و 39/3 در سال 1366، به 54/5 و 57/5 در سال 1377 رسیده است که در این سه آمارگیری میزان نسبت گوسفندان افزایش یافته و سهم بز کاهش پیدا کرده است. و علت آن اقتصادی بودن پرورش گوسفند نسبت به بز و بزغاله می باشد. پس این فرض که ترکیب گله عشایر نسبت به تعداد سالهای گذشته تغییر کرده است، پذیرفته می شود و بنابراین تغییر پیش گفته در راستای افزایش سهم گوسفند در ترکیب گله بوده است و یکی از دلایل اصلی آن افزایش قیمت محصولات کشاورزی علی الخصوص گندم است با توجه به اینکه قسمت اعظم مزارع استان لرستان زیر کشت گندم می باشد و با در نظر گرفتن این نکته که تناوب و آیش مزارع نیز رعایت نمی شود بهمین دلیل پس چرهای فراوانی در هر سال اضافه شده است که بسیار مناسب برای تغذیه دام است از سوی دیگر پرورش گوسفند نسبت به سایر دامها خیلی اقتصادی تر می باشد باید توجه داشت که اگر روند روبه رشد تخریب مراتع ادامه داشته باشد آنگاه الگوی رمة دارای تغییر خواهد کرد و بیشتر به سمت پرورش بز و افزایش سهم بز در ترکیب گله خواهیم رفت چراکه اولاً این حیوان بر اثر فقر مراتع بهتر می تواند خود را به شرایط جدید وفق بدهد. افزون بر این، بررسیهایی انجام شده در خانوار نمونه عشایر منطقه نشان می دهد که تعداد بز در گله های خانواده های فقیر عشایری بیشتر از تعداد این نوع دام در ترکیب گله های خانوارهای نیمه مرفه و مرفه است. به گونه ای که حیوان یاد شده 31 درصد دام خانواده هایی که بین 41 تا 100 رأس دام داشته اند را تشکیل داده است و خانوارهایی



که بیش از 100 رأس دام داشته اند برابر 11 درصد بوده است بنابراین فرض کمتر بودن سهم بز در ترکیب گله خانوارهای مرفه عشایری نسبت به دیگر خانوارها، پذیرفته می شود.
فروش دام و فراورده های آن
فروش انواع دام

عشایر لرستان افزون بر تولید گوشت قرمز که مهمترین عامل پرورش دام است محصولات دیگری را همچون شیر، پشم، کره، پنیر، کشک و قره قروت کرک تولید می کنند گوشت عمده ترین فراورده عشایر به شمار می آید و در این راستا به طور معمول دامهای زنده به فروش می رسند. ولی پشم آنها در مدت پرورش چیده و فروخته می شود یا برای ساخت صنایع دستی به کار می رود. بررسی اطلاعات به دست آمده از خانوارهای نمونه عشایر منطقه نشان می دهد که این خانوارها به طور متوسط 38/2 درصد دام خود را به فروش می رسانند که این مقدار به طور میانگین در بز گیرنده 25 درصد میش، 15 درصد قوچ، 64 درصد بره، 36 درصد بزغاله و 26 درصد بز می باشد. در این راستا با در نظر گرفتن متوسط قیمت فروش هر رأس میش، قوچ، بره، بز و بزغاله درآمد حاصل از فروش دام در خانوارهای نمونه عشایر، برآورد شده است. بر اساس این بررسی قیمت فروش هر رأس میش 450000 ریال، هر رأس قوچ 950000 ریال، هر رأس بره 560000 ریال، هر رأس بز 350000 ریال و هر رأس بزغاله 420000 ریال برآورد شده است لازم به ذکر است که این قیمت خالص می باشد و هزینه های حمل و نقل به بازار و حق کمیسیون از آن کسر شده است. با توجه به این نتایج دیده می شود که خانوارهای نمونه استان به طور تقریبی تعداد 52225 رأس دام خود را به فروش می رسانند؛ که از این تعداد 75/3 درصد به فروش گوسفند و بره، 24/7 درصد به فروش بز و بزغاله مربوط می شود. با احتساب متوسط قیمت هر رأس دام به دست آمده از خانوارهای نمونه عشایر مشاهده می شود که 25529110 هزار ریال درآمد از فروش دام عشایر بدست می آید جدول (5-2)، که از این مقدار 22/3 درصد آن به فروش میش، 1/06 درصد به فروش قوچ، 57/13 درصد به فروش بره، 9/21 درصد به فروش بز و 10/3 درصد به فروش بزغاله ارتباط داشته است.

جدول 3- وضعیت فروش دام در خانوارهای نمونه عشایر لرستان

شرح	میش	قوچ	بره	بز	بزغاله	جمع	تعداد خانوار نمونه	به ازای هر خانوار
تعداد کل دام	50757	1915	40700	25862	17241	136475	570	239
درصد فروخته شده	25	15	64	26	36	38/2	570	--
تعداد دام فروخته شده	12690	287	26048	6724	6204	52225	570	91
قیمت (ریال)	450000	950000	560000	350000	420000	-	570	--
جمع (هزار ریال)	5710500	272650	14586880	2353400	2605680	25529110	----	44787

مأخذ: یافته های تحقیق

با توجه به جدول، نتیجه می شود که به طور متوسط هر کدام از خانوارهای نمونه 239 رأس دام دارا می باشد که از این مقدار حدود 91 رأس به فروش می رسد که ارزش فروش این تعداد دام برای هر خانوار حدود 44787 هزار ریال می باشد.

با تعمیم نتایج پیشگفته به کل عشایر استان لرستان، دیده می شود که عشایر استان لرستان به طور تقریبی 566713 رأس دام خود را به فروش می رسانند که از این مقدار 67/2 درصد به فروش گوسفند و بره و 32/8 درصد به فروش بز و بزغاله مربوط می شود. با به حساب آوردن متوسط قیمت هر رأس دام به دست آمده از خانوارهای نمونه عشایر مشاهده می شود که 270836230



هزارریال از فروش دام عشایر لرستان بدست می آید جدول 4 که از این مقدار 20/58 درصد آن به فروش میس مربوط بوده و همچنین 0/59 درصد به فروش قوچ، 52/4 درصد به فروش بره، 12/55 درصد به فروش بز و 13/88 درصد به فروش بزغاله ارتباط داشته است. همانگونه که مشاهده می شود افزون بر 73/5 درصد این درآمد را فروش گوسفند تشکیل داده است و باقیمانده نیز به فروش بز و بزغاله مربوط بوده است.

Archive of SID



جدول 4- وضعیت فروش دام عشایر استان لرستان

شرح	میش	قوچ	بره	بز	بزغاله	جمع
تعداد کل دام	495461	19126	396187	373583	248020	1532377
درصد دام فروخته شده	25	15	64	26	36	36/9
تعداد دام فروخته شده	123865	2869	253560	97132	89287	566713
متوسط قیمت فروش هر رأس (ریال)	450000	95000 0	560000	350000	420000	-----
درآمد بدست آمده (هزار ریال)	5573925 0	16066 40	1419936 00	339962 00	3750054 0	2708362 30

مأخذ: مرکز آمار ایران

پشم و مو

بر اساس اطلاعات به دست آمده از خانوارهای نمونه عشایری منطقه، مقدار متوسط تولید پشم سالانه هر رأس میش بین 2/2- 1/8 کیلوگرم، هر رأس قوچ حدود 3 کیلوگرم و هر رأس بره یک کیلوگرم است. با در نظر گرفتن 67324 رأس گوسفند و بره خانوارهای نمونه 117/5 تن پشم گوسفند به وسیله خانوارهای نمونه عشایری تولید می شود که از این مقدار افزون بر 86 درصد آن پشم، 4/8 درصد پشم قوچ و باقیمانده (8/6 درصد) پشم بره است. همچنین با در نظر گرفتن تعداد 36897 رأس بز و بزغاله خانوارهای نمونه و با توجه به اینکه هر رأس بز در سال حدود یک کیلوگرم و هر رأس بزغاله حدود 0/7 کیلوگرم مو در سال تولید می کند میزان موی تولیدی توسط خانوارهای نمونه در سال حدود 33 تن می باشد. با در نظر گرفتن متوسط قیمت هر کیلوگرم پشم گوسفند 5500 ریال و هر کیلو موی بز 1800 ریال ارزش تولید پشم و موی خانوارهای نمونه استان 705650 هزار ریال می باشد.

با تعمیم نتایج فوق به کل عشایر استان لرستان و با در نظر گرفتن 910774 رأس گوسفند و بره عشایری، 1543 تن پشم گوسفند به وسیله عشایر استان لرستان تولید می شود که از این مقدار افزون بر 70/6 درصد آن پشم میش، 3/8 درصد پشم قوچ و باقیمانده 25/6 درصد پشم بره می باشد (جدول شماره 4-6). با در نظر گرفتن 15933 خانوار عشایری منطقه به طور متوسط تولید پشم سالانه هر خانوار عشایری به 96/8 کیلوگرم می رسد.

بر این اساس ارزش پشم تولیدی توسط عشایر استان لرستان به 8926500 هزار ریال در سال می رسد. علاوه بر این عشایر استان در هر سال حدود 546 تن مو نیز تولید می کنند که ارزش آن در سال به رقم 982800 هزار ریال می رسد. بدین ترتیب کل ارزش پشم و موی تولیدی توسط عشایر استان در سال به 9709720 هزار ریال می رسد. با توجه به تعداد خانوارهای عشایر استان میزان تولیدی پشم و مو به ازای هر خانوار 609400 ریال می باشد.

شیر

بر اساس اطلاعات بدست آمده از عشایر نمونه استان متوسط تولید شیر هر رأس میش و بز در سال به ترتیب 30 و 48 کیلوگرم می باشد.

جدول 5- تولید سالانه، ماهانه و روزانه شیر یک رأس دام

شرح	گوسفند	بز
تولید سالانه	30/5	48/3
تولید ماهانه	6/1	8/78
تولید روزانه	0/203	0/293

مأخذ: یافته های تحقیق

بدین ترتیب عشایر لرستان حدود 32796 تن شیر در سال تولید می کنند که حدود 45 درصد آن را شیر گوسفند تشکیل می دهد و مابقی را شیر بز تشکیل می دهد.



با در نظر گرفتن متوسط قیمت 1500 ریال برای هر کیلو شیر ارزش تولید شیر به 49194000 هزار ریال می رسد.

جدول 6- میزان تولیدات دامی عشایر لرستان در سال 1383

شرح	میش	فوج	بره	بز	بزغاله	جمع
تعداد کل	495461	19126	396187	373583	248020	--
مقدار تولید شیر هر رأس	30/5	--	--	48/3	--	--
مقدار تولید پشم هر رأس	2/2	3	1	--	--	--
مقدار تولید مو هر رأس	--	--	--	1	0/7	--
کل تولید شیر	15111	--	--	18044	--	33155
کل تولید پشم	1090	57	396	--	--	1543
کل تولید مو	---	---	---	373	173	546

مأخذ: انتشارات سازمان امور عشایر استان لرستان
ارزش کل تولیدات دامی استان در سال در جدول (7) آورده شده است.

جدول 7- ارزش تولیدات دامی عشایر استان لرستان در سال 1383

شرح	پشم	شیر	مو	جمع	به ازای هر خانور
کل تولید	1543	33155	546	---	
متوسط قیمت هر کیلو	5500	1500	1800	---	
ارزش تولید (هزار ریال)	8486500	49732500	982800	59201800	3715

مأخذ: یافته های تحقیق

با توجه به جدول (7) مشاهده می شود که ارزش تولیدات دامی به ازای هر خانوار عشایری در استان لرستان سالانه رقمی برابر با 3715671 ریال می باشد. با افزودن این رقم به درآمد سرانه خانوار ناشی از فروش دام (44787000 ریال)، کل درآمد سرانه خانوار عشایری ناشی از تولید دام 48502671 ریال در سال می باشد

هزینه نگهداری هر رأس دام عشایری

مهمترین هزینه های نگهداری دام عشایر را هزینه های تغلیف دستی و تامین علوفه، هزینه حمل و نقل، هزینه نیروی انسانی و هزینه بهداشت تشکیل می دهند که در ذیل آورده شده است.

تغذیه دستی

تغذیه دستی بیشترین سهم هزینه های نگهداری دام را به خود اختصاص داده است و با توجه به اینکه هر روز از کیفیت و میزان علوفه تولیدی مراتع کاسته می شود هر ساله شاهد افزایش این هزینه در تولید دام خواهیم بود. در بین دامداران عشایر استان لرستان تغذیه دستی دام شامل هزینه تهیه کاه و جو و در بعضی مواقع خرید علوفه سبز خشک شده (سبز کاه) می باشد که معمولاً این هزینه در ماههای سرد سال بوجود می آید که در این فصل دامها در قشلاق به سر می برند. در بررسی حاضر نزدیک به 82 درصد از عشایر دارای زمین کشاورزی هستند که در این اراضی اغلب محصولات مثل گندم و جو به صورت دیم کشت می شود. بخاطر کم وسعت بودن و نامناسب بودن اغلب زمینهای کشاورزی عشایر، میزان تولیدات کشاورزی در سطح بسیار پایینی قرار دارد که کفاف احتیاج عشایر را به جو و کاه نمی دهد و مجبور می شوند جهت رفع احتیاجات خود اقدام به خرید این محصولات از کشاورزان روستایی کنند.

مدت زمان تغذیه دستی در بین عشایر استان لرستان در حدود 5 ماه می باشد؛ یعنی حدود 42 درصد کل تغذیه دام عشایری از طریق تغذیه دستی تامین می گردد. بر اساس بررسی های انجام



گرفته در بین عشایر نمونه هر رأس گوسفند در مدت زمان تغذیه به طور متوسط به یک کیسه بزرگ (شلیت) معادل 130-140 کیلوگرم کاه و یک گونی جو معادل 90 کیلوگرم نیاز دارد.

بهداشت و درمان

هزینه درمان عمدتاً صرف خرید واکسنها، داروهای ضدانگلی و آنتی بیوتیکها می باشد. همچنین هزینه های درمان دامهای بیمار، هزینه های مربوط به حمام ضد کنه وحشرات و همچنین هزینه مواد معدنی مثل نمک جزء هزینه های بهداشت لحاظ می شوند.

حمل و نقل:

امروزه اکثر خانوارهای عشایری اثاثیه و علوفه مورد نیاز خود را توسط ماشین حمل می کنند و این عمل معمولاً هزینه سنگینی را متوجه دامدار می کند ولی بر اساس نظر دامداران هزینه حمل و نقل اثاثیه بوسیله ماشین بر هزینه و در دسر نگهداری حیوانات باربر غلبه می کند. در این بررسی از هزینه حمل و نقل دامها به وسیله ماشین بین ییلاق و قشلاق چشم پوشی شده است (بعضی از خانوارهای عشایری به علت کمبود وسایط نقلیه اقدام به کوچ می کنند) و فقط هزینه های حمل بره ها و بزغاله های تازه متولد شده، دام های آبستن و هزینه حمل دام به بازار مد نظر قرار گرفته شده است.

نیروی کار

سهم بیشتر نیروی کار استفاده شده در تولید دام عشایری را نیروی کار خانوادگی تشکیل می دهد به این ترتیب که سرپرست خانوار به همراه زن و بچه به صورت مشترک وظیفه پرورش دام ها را بر عهده دارند. به طوریکه بچه ها وظیفه نگهداری از بره ها و چرانیدن گوسفندان را بر عهده دارند و نقش پدر یا پسر بزرگتر هماهنگ کردن فعالیتها از قبیل خرید مایحتاج یا علوفه را بر عهده دارد. در بین بعضی از خانوارهای عشایری که از نیروی کار کافی نیستند اقدام به استخدام چوپان می کنند. در این بررسی بیش از 70 درصد از خانوارهای نمونه استان هزینه چوپان پرداخت نمی کنند و این وظیفه بر عهده خانوار می باشد.

بر اساس نتایج بدست آمده از عشایر نمونه استان لرستان هزینه نگهداری هر رأس گوسفند و بره و بزغاله در سال بطور جداگانه در جدول آورده شده است.

جدول 8- هزینه های نگهداری هر رأس دام عشایر

نوع	گوسفند و بره		بز و بزغاله	
	ریال	درصد	ریال	درصد
دام شرح				
تعلیف دستی	135260	61/1	71250	49/5
چوپان	43800	19/8	43800	30/45
بهداشت	6100	2/9	6100	4/24
حمل و نقل	28347	12/8	16173	11/24
پس چر	4347	1/9	4347	3/07
متفرقه	3267	1/5	2125	1/5
جمع	221121	100	143796	100

مأخذ: یافته های تحقیق

بطوریکه از جدول 8 مشاهده می شود به طور متوسط هر رأس گوسفند و بره، هر رأس بز و بزغاله عشایر به ترتیب هزینه ای برابر 221121 و 143796 ریال در بر دارد و مهمترین رقم تشکیل دهنده این هزینه مربوط به هزینه تعلیف دستی می باشد.



بر اساس نتایج جدول شماره مشخص می شود که هزینه نگهداری هر رأس بز معادل 60 درصد هزینه نگهداری هر رأس گوسفند است.

محاسبه سود بدست آمده از پرورش هر رأس گوسفند و بز به منظور محاسبه سود بدست آمده از پرورش هر رأس گوسفند و بز در قالب یک گله 230 رأسی مورد بررسی قرار می دهیم.

ترکیب گله مورد بررسی به صورت زیر می باشد:

تعداد میش بالغ (بارور) 187 رأس
تعداد میش جوان (غیر بارور) 37 رأس
تعداد قوچ 6 رأس

با توجه به درصد زایش گله یعنی 75 درصد در سال، در هر سال حدود 141 بره متولد می شود (این درصد شامل تلفات نیز می باشد).

با توجه عمر اقتصادی هر رأس میش و قوچ در گله به میزان، به ترتیب 5 و 4 سال در هر سال حدود 37 رأس میش و 2 رأس قوچ در گله حذفی می باشند که جهت حفظ موجودی گله همین تعداد به دام به ترکیب گله اضافه می شود.

در جدول (9) میزان کل فروش، قیمت هر رأس و ارزش کل فروش دام نشان داده شده است. بر این اساس کل درآمد حاصل از فروش گوسفند و بز در یک گله 230 رأسی در یکسال حدود 74550000 ریال می باشد که از این رقم حدود 72/5 درصد به فروش بره، 25/1 درصد به فروش میش و باقیمانده (2/2 درصد) به فروش قوچ ارتباط داشته است. با در نظر گرفتن مقدار هزینه نگهداری هر رأس گوسفند و بز به میزان 221121 ریال کل هزینه نگهداری گوسفند و بز در گله مورد بررسی مبلغ 50857830 ریال خواهد بود. بر این اساس سود بدست آمده از فروش دام در این گله از تقاضای درآمد حاصل از فروش دام و هزینه های نگهداری دام بدست می آید که رقمی در حدود 23692170 ریال در سال است. بدین روش سود سالانه حاصل از هر رأس گوسفند داشتنی معادل 103009 ریال برآورد می شود.

جدول 9- میزان کل فروش و ارزش کل در گله گوسفند مورد بررسی

شرح	فروش میش	فروش بره	فروش قوچ	مجموع
تعداد فروخته شده	37	100	2	139
قیمت فروش	450000	560000	950000	-----
کل ارزش فروش	16650000	56000000	1900000	74550000

مأخذ: یافته های تحقیق

بر همین اساس با به حساب آوردن متوسط تولید پشم و شیر هر رأس گوسفند به ترتیب 2/2 و 30/5 کیلوگرم در سال و همچنین با در نظر گرفتن قیمت هر کیلو پشم برابر 5500 ریال و هر کیلو شیر 1500 ریال، سود بدست آمده از بابت تولید پشم و شیر به ازای هر رأس گوسفند حدود 39300 ریال خواهد بود که از این مقدار 73/3 درصد را تولید شیر و باقیمانده را تولید پشم در بر می گیرد. بدین ترتیب کل سود حاصل از نگهداری هر رأس گوسفند و بز 142309 ریال در سال برآورد می شود که 77/9 درصد آن از فروش دام و 16/2 درصد از شیر و 5/9 درصد از تولید پشم بدست می آید.

جهت محاسبه سود بدست آمده از پرورش هر رأس بز و بزغاله، موضوع را در چارچوب یک گله 230 رأسی بز و بزغاله به همانند گله گوسفند مورد بررسی قرار می دهیم. ترکیب گله بز همانند ترکیب گله گوسفند می باشد با این تفاوت که تعداد بز و بزغاله فروخته شده نسبت به گوسفند و بز کمتر می باشد چراکه میزان خود مصرفی گوشت بز و همچنین استفاده از گوشت آن در مهمانی ها و



مراسمات نسبت به گوشت گوسفند بیشتر می باشد با تعمیم نتایج گفته شده درباره گوسفند و بره مشاهده می شود که در سال حدود 119 رأس از گله بز فروخته می شود که با احتساب قیمت فروش هر رأس همانطور که در جدول (10) آورده شده است، میزان درآمد بدست آمده از بابت فروش بز درگله بز نزدیک به 47750000 ریال می باشد.

جدول 10- میزان کل فروش و ارزش کل درگله بز مورد بررسی

شرح	فروش بز	فروش بزغاله	فروش نربز	مجموع
تعداد فروخته شده	37	80	2	119
قیمت فروش	350000	420000	600000	-----
کل ارزش فروش	12950000	33600000	1200000	47750000

مأخذ: یافته های تحقیق

همچنین هر رأس بز در هر سال حدود 48/3 کیلوگرم شیر و یک کیلوگرم مو تولید می کند که ارزش این تولیدات در مجموع 74250 ریال در هر سال می باشد. بر همین اساس هزینه نگهداری هر رأس بز و بزغاله به طور متوسط 143796 ریال برآورد شده است. بنابراین درآمد حاصل از نگهداری هر رأس بز در هر سال برابر 138062 ریال برآورد می شود که از این مقدار 73 درصد از فروش دام، حدود 26 درصد از فروش شیر و باقیمانده از فروش مو حاصل می شود. با مقایسه سود حاصل از نگهداری هر رأس گوسفند و هر رأس بز مشاهده می شود که سود سالانه پرورش بز به طور تقریبی 90 درصد سود سالانه پرورش گوسفند است (البته میزان خود مصرفی بز و بزغاله نباید از نظر دور بماند بر اساس نتایج آمده از سرشماری اجتماعی- اقتصادی عشایر کوچنده در سال 1377 متوسط تعداد گوسفند و بره هر خانوار عشایری در دوره بیلاق 57 رأس و متوسط تعداد بز و بزغاله 39 رأس می باشد که با احتساب سود خالص پرورش هر رأس گوسفند و بره به میزان 142309 ریال و هر رأس بز و بزغاله به میزان 138062 ریال؛ سود سالانه هر خانوار عشایری در دوره بیلاق به طور متوسط 13496031 ریال برآورد می شود که از این مقدار 60/1 درصد به پرورش گوسفند و بره ارتباط دارد و 39/9 درصد به پرورش بز و بزغاله مربوط می شود. همچنین متوسط تعداد گوسفند و بره هر خانوار عشایری در دوره قشلاق 54 رأس و متوسط تعداد بز و بزغاله 33 رأس می باشد که بدین ترتیب با بر شمردن سود بدست آمده از پرورش هر رأس دام عشایری، درآمد سالانه هر خانوار عشایری در دوره قشلاق به طور متوسط 12240732 ریال برآورد می شود که 62/7 درصد آن به پرورش گوسفند و 37/3 درصد به پرورش بز و بزغاله ارتباط دارد.

کاهش وزن دام بر اثر کوچ

آمار و اطلاعات جمع آوری شده از عشایر نمونه لرستان نشان می دهد، حداقل مسیر کوچ عشایر 25 کیلومتر و حداکثر آن 400 کیلومتر بوده است و نزدیک به 50 تا 70 روز از زندگی عشایر منطقه در ایل راهها و کوچ می گذرد که این موضوع هم اکنون یکی از دشوارترین و مشکل سازترین مسائل زندگی عشایر به شمار می آید. در همین راستا عواملی مانند: سخت شدن کوچ همراه با ناهماهنگی در نظام کوچ، زیر کشت رفتن مراتع و نبودن قانون مدون برای نظارت و مراقبت در استفاده از مراتع با روستاییان و مسایل امنیتی در کوچ و موارد دیگر باعث شده است تا کوچ یکی از دشوارترین مراحل زندگی عشایر به شمار آید.

جدول 11- محاسبه اقتصادی زیان وارده بردامهای عشایر بر اثر کوچ

دوره کوچ	نوع دام	تعداد (رأس)	کاهش وزن هر رأس (کیلوگرم)	کل کاهش وزن (کیلوگرم)	گوشت قابل استفاده به میزان 50 درصد (ریال)	متوسط قیمت هر کیلو گوشت (ریال)	زیان ناشی از کاهش وزن دام (هزار ریال)
کوچ بهاره	گوسفند و بره	910774	2/4	2185857	1092928	32000	34973696



20512890	30000	683763	1367526	2/2	621603	بز و بزغاله	
22067968	32000	681624	1379248	2/6	530480	گوسفند و بره	کوچ
15666600	30000	522220	1044441	2/4	435184	بز و بزغاله	پاییزه
93221154		2980535	5977072			جمع	

مأخذ: یافته های تحقیق

در این پژوهش با پرسش از عشایر نمونه لرستان در زمینه متوسط کاهش وزن دام در اثر کوچ، به بررسی اقتصادی کاهش وزن دام در کوچ پرداخته شده است. همانگونه که از جدول (11) پیداست متوسط کاهش وزن هر رأس گوسفند و بز به تفکیک برابر 2/4 و 2/2 کیلوگرم در کوچ بهاره و 2/4 و پاییزه 5977072 کیلوگرم می باشد با در نظر گرفتن نیمی از این کاهش وزن به عنوان گوشت قابل حصول دیده می شود که بطور متوسط 2980535 کیلوگرم گوشت قابل استفاده از دست می رود در این راستا با به حساب آوردن قیمت هر کیلو گوشت گوسفند برابر 32000 ریال و گوشت بز 30000 ریال، ارزش ریالی زیان برخاسته از کاهش وزن دام عشایر به 93221154000 ریال می رسد که افزون بر 60 درصد آن به کوچ بهاره و باقیمانده به کوچ پاییزه مربوط می شود. در ضمن این کاهش وزن، ضعف دامها و کاهش باروری را نیز در پی دارد که بر همین اساس دام برای بازسازی و جبران وزن از دست رفته به علوفه بیشتری نیاز پیدا می کند و این امر سبب وارد آمدن فشار بیشتر به مراتع می شود و در صورت امکان تأمین علوفه، هزینه تولید را بالا می برد. با جابجا کردن دام به کمک ماشین می توان از لگدکوب شدن و تخریب مراتع میانیند و همچنین از تلفات و کاهش وزن دام جلوگیری کرد. ولی اگر کوچ ماشینی در زمان مناسب انجام نگیرد می توان آن را به عنوان یک عامل تخریب کننده مطرح عنوان کرد.

پیشنهادات:

- 1- با توجه به اینکه نسبت بز در ترکیب گله خانوارهای فقیر نسبت به خانوارهای مرفه بیشتر است و با در نظر گرفتن پایین بودن سودآوری بز نسبت به گوسفند و بالا بودن میزان خسارت آن به مراتع، در این خانوارها باعث پیدایش سیکل فقر شده است. بنابراین دولت باید با فراهم آوردن تسهیلات و امکانات برای این خانوارها از میزان بز در ترکیب گله بکاهد و با ترویج پرواربندی در جامعه عشایری از طریق تشکیل شرکتهای تعاونی دامداری، موجبات افزایش تولید و سطح درآمد عشایر و ایجاد اشتغال برای نیروی کار را فراهم آورد.
- 2- با توجه به تخریب بی رویه مراتع و نبود امکان فراهم آوردن علوفه دام به دلیل ضعف توان مالی، افزایش تعداد دامها و فشار بی رویه بر مراتع باعث فروش زودرس دامها و نرسیدن دام به وزن بالقوه و در نتیجه زیان اقتصادی شده است. بنابراین علوفه مورد نیاز دامهای عشایر باید توسط دولت با قیمت یارانه ای و مناسب از طریق ایجاد مراکز عرضه علوفه در مناطق مناسب به ویژه در مواقع خشکسالی که عشایر با مشکل تأمین علوفه روبرو می شوند باید تأمین گردد.

منابع و مأخذ:

1. آقا عباسی، ن. (1379). بررسی امکانات بالقوه و بالفعل جهت خودبستگی در تأمین گوشت قرمز، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هشتم، شماره 29.
2. ازکیا، م. (1373). بررسی جنبه های اقتصادی - اجتماعی طرحهای مرتعداری انجام شده در استان فارس، مجموعه مقالات اولین سمینار ملی مرتع و مرتعداری در ایران، سازمان جنگلها و مراتع ایران.
3. افشار سیستانی، الف. (1366). مقدمه ای بر شناخت ایلها، چادر نشینان و طوایف عشایر ایران، جلد اول، انتشارات هما.
4. امان الهی بهاروند، س. (1367). کوچ نشینی در ایران، چاپ دوم، انتشارات آگاه، تهران.



5. امیر احمدی، ب. (1369). لزوم تغییر الگوی کوچ نشینی در ایران. مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایر ایران، شیراز.
6. امیر احمدی، ب. (1367). برآورد ارزش افزوده بخش دامداری کوچ نشینان کشور در اقتصاد کشاورزی، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، شماره 5، سازمان امور عشایر ایران.
7. اولیایی، الف. (1369). بررسی اقتصادی- اجتماعی اسکان عشایر، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایر ایران، تهران.
8. بقایی، پ. (1380). تاملی در مباحث مربوط به طرح تعادل دام و مرتع، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، سال چهارم.
- 9.
10. ترک نژاد و همکاران، (1374)، درآمدی بر محاسبه ارزش اقتصادی منابع طبیعی تجدید شونده، مجله جنگل و مرتع، شماره 26، سازمان جنگلها و مراتع کشور.
11. دفتر طرح و توسعه مناطق عشایری استان لرستان، (1378). گزارش مطالعه اجتماعی، اقتصادی سامانه درک کوه، سازمان امور عشایر استان لرستان.
12. دفتر مطالعه طرح توسعه مناطق عشایری استان لرستان، (1375). مطالعه ویژگیهای طبیعی، هزینه و درآمد خانوار عشایری زیست بوم همیان، ضرون، سازمان امور عشایر استان لرستان.
13. دفتر مطالعه طرح توسعه مناطق عشایری استان لرستان، (1376). مطالعه ویژگیهای طبیعی، هزینه و درآمد خانوار عشایری زیست بوم پایی، سازمان امور عشایر استان لرستان.
14. دفتر مطالعه طرح توسعه مناطق عشایری استان لرستان، (1376). مطالعه ویژگیهای طبیعی، هزینه و درآمد خانوار عشایری زیست بوم پایی، سازمان امور عشایر استان لرستان.
15. دهقانیان، س. و م. کهنسال، (1379). بررسی اقتصاد تولید عشایر استان خراسان، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هشتم، شماره 29.
16. ذبیحی، م. (1370). مقایسه دامداری مرسوم و بسته در جنگل، مجله جنگل و مرتع، شماره دهم، سازمان جنگلها و مراتع کشور.
17. روزبھانی، ب. و همکاران. (1375)، گزارش وضعیت دامداری زیست بوم تخت چان و دادآباد، سازمان امور عشایر استان لرستان.
18. شرکت خدمات مهندسی جهاد کشاورزی استان لرستان، (1375). بررسی وضعیت دامداری کانون توسعه عمارت، سازمان امور عشایر استان لرستان.
19. شرکت خدمات مهندسی جهاد کشاورزی استان لرستان، (1375). تلفیق و جمع بندی استعدادها و صنایع اشتغالزا و ارائه راهبردها و برنامه توسعه کانون عمارت، سازمان امور عشایر استان لرستان.
20. شیفر، ریچارد. (1940)، مقدمه ای بر آمارگیری نمونه ای، مترجمان: ارقامی، سنجر، بزرگ نیا، مشهد، دانشگاه فردوسی، 1380.
21. صرافها، ع. (1369). تداوم کوچ نشینی. مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایر ایران، تهران.
22. صفری، الف. (1369). بحران در شیوه تولید عشایری ضرورت ایجاد تحولات همه جانبه در آن، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایر ایران، تهران.
23. غفاری، ت. (1375). مراتع پشتوانه استقلال اقتصادی، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب شماره های 14 و 15، سازمان امور عشایر ایران.
24. غلامیان، الف. (1372). ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی سامانه چم استان، کوهدشت، سازمان امور عشایر استان لرستان.
25. قنبری، ع. (1367). بهره وری در نظام دامداری عشایری، قسمت دوم، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، شماره 5، سازمان امور عشایر ایران.
26. کیاوند، ع. (1369). تغییر به جای کوچ - تحول به جای اسکان، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایر ایران، تهران.
27. مجیدی، ک. (1378). عشایر و تغییر الگوی دامداری، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، شماره 21، سازمان امور عشایری ایران.
28. مشیری، س. و ن. مولایی (1379). درآمدی بر اقتصاد کوچ نشینان ایران، چاپ اول، نشر قومس.



29. نتایج تفصیلی استان لرستان (1377). سرشماری اجتماعی- اقتصادی عشایر کوچنده، مرکز آمار ایران.
30. نتایج تفصیلی کل کشور (1377)، سرشماری اجتماعی- اقتصادی عشایر کوچنده تیرماه 1377، مرکز آمار ایران.
31. A. K. Banerjee, Getachew Animut and Ewanetu Ermias.(2003). Selection and Breeding for increased Productivity of Goat in Ethiopia. Alemaya University, POBox 118, Ethiopia.
32. Brian H.Walker and Marco a. janssen.(2002). Rangelands, pastoralist and governments: interlinked.GPO Box, 284. Canberra.
33. Cali yusuf Axmed and Maxamed Cigekille, Jaamac Nuur Xasan "(2002). Regulation the livestock Economy of Somaliland" Hargeysa, Somaliland.
34. Donald J.beduanha and Sabin M.schmidt(2000): Pastoralism and Protect Area Management in Mongolia,s Gobi National Park.
35. Fao – Japan Cooperative Project"(1999) Collection of information on Animal Production and Health". //www.fao.org.
36. Micheal.s.alvar and Lawrence Kuznar.(2000),Defered harvests: The transition from hunting to animal husbandry.Indiana university at fort wayane.
37. Roger Blench, Robert Chaoman and Tom slaymaker "A study of the role livestock in poverty reduction stratyegy papers" Pro- poor livestock policy Initiative, Jornal/PPLPI working papers No.1 .2003.